



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

هشت بهشت

ادعائنامه فرقه ازلی علیہ

بہائیت

حمیدرضا روحانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«هشت بهشت» ادعانامه فرقه ازلی علیه بهائیت

نویسنده:

حمیدرضا روحانی

ناشر چاپی:

نشریه زمانه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	«هشت بهشت» ادعانامه فرقه ازلی علیه بهائیت
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	معرفی اجمالی کتاب هشت بهشت
۸	گذری بر تعالیم مسلک ازلی
۹	انشعاب در بابیت و بهائیت
۱۰	ادعای غریب حسینعلی بهاء؛ من خدای خدايانم
۱۱	پاورقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

«هشت بهشت» ادعای فرقه ازلی علیه بهائیت

مشخصات کتاب

عنوان: «هشت بهشت» ادعای فرقه ازلی علیه بهائیت

پدید آورنده: حمیدرضا روحانی

نشریه: زمانه

شماره نشریه: ۶۱

سال: ۱۳۸۶

ماه: ۷

تعداد صفحه: ۶۱ - ۶۴

زبان: فارسی

موضوع: بررسی عقاید ازلیان و رد بهائیت - معرفی کتاب هشت بهشت، اثر آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی

مقدمه

اختلاف و انشعاب را باید عارضه‌ای طبیعی برای فرقه‌هایی چون بابیه تلقی کرد. اساساً نزاع و کشمکش، بخشی از فرایند تبلور و زیست آنان را شکل می‌دهد. در این میان، از قلم نیز به صورت ابزاری در این میدان استفاده شده است و نگارش کتب و رسالات علیه یکدیگر قسمتی از رویارویی گروههای منشعب با همدیگر می‌باشد. کتاب "هشت بهشت"، اثر مشترک میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی، با هدف بیان عقاید ازلیان و رد طریقه بهائیت نمونه‌ای مثال زدنی است که در این نوشتار معرفی شده است. شیخ احمد احسائی سال ۱۱۶۶. ق در احساء (واقع در عربستان) به دنیا آمد و در جوانی برای کسب علم راهی عتبات عالیات شد و از مراجع بزرگ آن دیار مانند سید مهدی بحر العلوم، وحید بهبهانی، شیخ جعفر کاشف الغطاء و صاحب ریاض اجازاتی اخذ کرد. [۱] بعد از مدتی به منظور زیارت آستان مبارک امام هشتم (ع) عازم ایران شد. در این کشور فتحعلی شاه قاجار و عده‌ای از شاهزادگان و رجال حکومت او را تکریم کردند. احسائی پس از چند سال اقامت در ایران و سفر به شهرهای آن، به عتبات بازگشت و سرانجام به عربستان رفت و سال ۱۲۴۱ در نزدیکی مدینه دار فانی را وداع گفت. جنازه‌اش را در قبرستان بقیع به خاک سپردند. [۲]. شیخ احمد در بعضی از مسائل اعتقادی و کلامی، همچون معاد و معراج، دارای آرا و افکار شاذی بود و این امر، حرف و حدیث‌های بسیاری نسبت به او در مجامع علمی شیعه ایران و عراق برانگیخت و حتی به تکفیر وی توسط بزرگانی همچون حاج ملا محمد تقی "شهید ثالث" (فقیه وارسته و پرنفوذ قزوین) انجامید و موجب شد گروهی به نام "شیخیه" پدید آید که در تقابل با "متشرعه" (عامة شیعیان) قرار داشت. [۳]. متأسفانه، شاگرد مشهور و تراز اول شیخ احمد، موسوم به سید کاظم رشتی، [۴] نیز که پس از مرگ وی رهبری شیعیان را به عهده گرفت، نتوانست بین این گروه با دیگران التیام بخشد و حتی به علت تندیهایی که نسبت به علمای شیعی مخالف خود داشت، [۵] بر عمق اختلافات افزود و در نتیجه، انشعاب تازه‌ای که با عنوان شیخیه بین شیعیان ایجاد شده بود در تاریخ، تثبیت شد. او هنگام وفات برای خود جانشینی معین نکرد. پس از مرگ سید کاظم رشتی (۱۲۵۹. ق) نزاع داغی میان شاگردان و پیروان وی به وجود آمد. گروهی ریاست حاج محمد کریمخان در کرمان یا میرزا شفیع تبریزی در آذربایجان را پذیرا شدند و عده‌ای نیز پیرو سید احمد پسر سید کاظم گردیدند (وی مدت ۳۶ سال رهبری شیعیان عراق را بر عهده داشت). گروه دیگر نیز پیروی میرزا علی محمد شیرازی را قبول کردند که آهنگی کاملاً جدا از دیگران می‌نواخت. وی ابتدا ادعای

"باییت" (و نیابت خاص حضرت ولی عصر "عج") را داشت و به همین مناسبت، پیروانش به "بایه" شهرت یافتند. [۶]. میرزا علی محمد باب، بعدها مدعیات بالاتری همچون قائمیت و رسالت را مطرح ساخت و در اواخر سال ۱۲۶۴. ق برای اثبات عقاید خود و به اصطلاح تشریح دین جدید، کتابی به نام "بیان" آورد که به ادعای وی، هم تراز قرآن کریم و ناسخ آن بود! [۷]. باب، فردی به نام میرزا یحیی صبح ازل را به جانشینی خود برگزید، اما بعدها برادر بزرگش، حسینعلی بهاء (پیشوای بهائیان)، با او به رقابت و مخالفت برخاست و همین امر به انشعاب و انشقاق بایه به دو گروه "ازلی" ("پیروان صبح ازل" و "بهائی" "پیروان بهاء) منجر گردید. این دو گروه، با هم ضدیتی عمیق و نبردی بی‌امان داشتند و علیه یکدیگر به نگارش کتاب‌ها و رسالات گوناگونی دست زدند که نمونه آن را در فرقه بهائیت، می‌توان در الواح حسینعلی بهاء (در کتاب اشراقات)، لوح قرن "شوقی و نیز" اسرار الآثار "نوشته فاضل مازندرانی (مدخل "یحیی" "...). دید. دیدگاه و اظهارات ازلیان بر ضد بهاء و پیروان او را نیز، از جمله، می‌توان در کتاب "تنبیه النائمین" (منتشر شده از سوی عزیه: خواهر حسینعلی بهاء) و همچنین کتاب "هشت بهشت" مشاهده کرد. کتاب "هشت بهشت"، را میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی تألیف کرده که از پیروان مکتب باب (شاخه ازلی) و هر دو داماد یحیی صبح ازل‌اند. این کتاب، ضمناً حکم ادعای این فرقه علیه بهائیان را دارد. مبنای فکری و اعتقادی "هشت بهشت"، همان مطالب مندرج در کتاب "بیان" نوشته علی محمد باب است و نویسندگان آن، خود را پیرو بیان معرفی کرده‌اند. [۸]. میرزا آقاخان، البته، نسبتی هم با "روشنفکری سکولار" در عصر قاجار دارد و از همکاران میرزا ملک خان در روزنامه "قانون" بوده است، چنان‌که مدتی نیز در اواخر عمر (همراه شیخ احمد روحی) در پایتخت عثمانی با مرحوم سیدجمال‌الدین اسدآبادی در خط تبلیغ "اتحاد اسلام" گام زده است. نکته اخیر، همراه تعرضات وی در بعضی از آثارش به باب و بایان، [۹] دسته‌ای از پژوهشگران را به این نظر رسانده است که آقاخان نخست به آیین باب گروید و سپس تحت تأثیر گرایش به غرب، در جهت تلفیق و التقاط فرهنگ اسلامی با تفکر جدید مغرب زمین برآمد و در همین راه بود که به اومانسیم (و در واقع: مذهب لامذهبی) رسید که تقیید به هیچ آیینی (حتی باییت) را برنمی‌تابد. [۱۰] سیر اندیشه و احیاناً تحولات و تناقض‌های فکری او را باید براساس این دیدگاه ارزیابی کرد.

معرفی اجمالی کتاب هشت بهشت

کتاب "هشت بهشت" [۱۱] اثر مشترک آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی است. البته در اینکه کدام یک بیشتر در نگارش آن سهم بوده‌اند اختلاف وجود دارد. به هرروی، این کتاب را باید فلسفه نظری شریعت بیان تعبیر نمود که افراد نامبرده تحت تأثیر عقاید سید جواد کربلایی (از پیروان اولیه باب و "حروف حی" او) آن را تألیف کرده‌اند. [۱۲]. هدف از تألیف "هشت بهشت"، طبق گفتار نویسندگان آن، عبارت است از: ۱- بیان عقاید ازلیان؛ ۲- ردّ طریقه بهائیت؛ ۳- ذکر علل و اسباب تقسیم بایه به دو گروه ازلی و بهائی؛ ۴- بیان فلسفه مسلک جدید؛ ۵- دادن اطلاعاتی راجع به تاریخ وقایع دوره اول بایه؛ ۶- شرح حال عده کثیری از قدمای این فرقه. علت نام‌گذاری کتاب به هشت بهشت نیز، وجود هشت بابی است که در این مجموعه شرح داده شده است. [۱۳] باب‌های هشت‌گانه کتاب از این قرار است: باب اول: در حقوق الهیه، باب دوم: در تهذیب اخلاق، باب سوم: در تدبیر و حکمت منزل، باب چهارم: در حقوق مدنی، باب پنجم: در حقوق و نوامیس عامه، باب ششم: در حقوق ملکوتیه، باب هفتم: در احوال قیامت و دلایل ظهور قائم آل محمد (ص)، و باب هشتم: در وقایع قیامت و ظهور نقطه بیان و اصحاب او. [۱۴]. از دیگر مطالب این کتاب می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد: ۱- مقدمه و بیان مختصری از شرح حال و زندگی آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی؛ ۲- تعریف شریعت بیان؛ ۳- خصایص و امتیازات آن؛ ۴- دعاوی اهل بیان؛ ۵- مناسبات این شرع با شرایع دیگر؛ ۶- شرح حال حضرت ثمره؛ [۱۵] ۷- شرح حال عجل سامری [۱۶] و سرانجام در خاتمه بیان شرح فتنه صیلم [۱۷] آمده است. کتاب "هشت بهشت" را در واقع می‌توان آینه تمام‌نمای یک گروه بدعت‌گذار و نو دینی دانست؛ زیرا نویسندگان آن در جای جای کتاب

درصدند این مدعا را بیان کنند که دین مبین اسلام متعلق به زمان‌های گذشته است و آنچه نیاز بشر امروز است چیزی فراتر از اسلام و تعالیم آن است که تعابیر و اضافات جدیدی را می‌طلبد. البته نویسندگان کتاب در نوشته خود تماماً از آیات و روایات اسلامی استفاده کرده، اما بر پیکر این همه، لباسی از تأویلات جدید پوشانده‌اند؛ تأویلاتی که البته در درستی و بجایی آن‌ها جای هزاران حرف است. چنان که وجود عناوینی همچون ظهور قائم آل محمد (ص)؛ عجل (گوساله) سامری... نشان‌دهنده آن است که اینان تحت تأثیر ادبیات اسلامی در پی تأسیس مفاهیم دینی جدید بوده‌اند؛ گرایش و نحله‌ای که البته هیچ‌گاه نتوانست در جامعه اسلامی ایران رشد و بالندگی طبیعی و معقول را بیابد و لاجرم، دانسته و ندانسته، ابزاری در دست قدرت‌های استعماری آن زمان گردید. اما آنچه جنبش نودینی بابی - ازلی را به لحاظ تأثیر تاریخی، تا حدودی مؤثر و لاجرم دارای اهمیت بحث می‌سازد، حضور و نفوذ عده‌ای از هواداران (یا منسوبان به این) جنبش همچون یحیی دولت‌آبادی در بین مشروطه‌خواهان سکولار است. اما باید توجه کرد که متن "هشت بهشت" به گونه‌ای است که خواننده را دچار سردرگمی و تحیر می‌کند؛ زیرا نویسندگان آن، مدعی‌اند که آیین بیان، تعریفی نو از اندیشه الهی است، اما خواننده نکته سنج آنچه در کتاب می‌خواند تغییرات ظاهری در عناوین و آداب اسلامی است. مثلاً در آیه "ما فوطنا فی الکتاب من شیء و لا رطباً و لا یابساً الا فی کتاب مبین و ان فی البیان حکم کل شیء کل شیء احصیناه فی امام مبین، [۱۸] لفظ مبین و بیان را دال بر دین جدید می‌دانند. اینان اصرار دارند که بگویند آیین اختراعی شان جامع همه ادیان است [۱۹] و در عین اینکه ناسخ ادیان دیگر نیست، [۲۰] ادیان دیگر را مطرود می‌سازد. [۲۱] از طرفی اعتراف کرده‌اند که "دین اسلام، جامع و عقلانی است، [۲۲] ولی در عبارتی دیگر، بعضی از احکام اسلام مانند حجاب و حرمت شرب خمر را نسبی دانسته [۲۳] و گفته‌اند...": همچنین احکام شریعت اسلام مناسب به عصر جاهلی و عشایر و اقوام وحشی بادیه نشین است و هرگز مردم متمدن را سیراب نتواند کرد [۲۴]. آنان، با اینکه به عقلانیت اسلام معترف‌اند، در جایی نوشته‌اند: "دین [اسلام] با عقل سازگار نیست و آن کس که توانست دین را با عقل سازگار کند شیخ احمد احسائی بود و بعد از آن در ظهور بیان [مرام باب]، روح شرع و حکمت، یکی شد [۲۵]."

گذری بر تعالیم مسلک ازلی

سازندگان این نحله شبه مذهبی، با چند تغییر (بی‌مبنا) در احکام اسلام، نبوغ! خود را آشکار کرده‌اند و توقع هم دارند که با این عمل، دنیایی نو بسازند! مثلاً نماز در مسلک ازلی نوزده رکعت است (صبح ۶ رکعت؛ ظهر ۳ رکعت؛ عصر ۴ رکعت؛ مغرب ۳ رکعت و عشا نیز ۳ رکعت) و اذان و اقامه نمازها نیز شکلی جدید یافته است. روزه نیز نوزده روز است که قبل از عید نوروز گرفته می‌شود. [۲۶] حج آنان هم در شهر شیراز و زادگاه علی محمد باب به جا آورده می‌شود. [۲۷] بسیار خوب، با این تغییرات چه انقلابی ایجاد می‌شود؟! در این کتاب عناوینی چون حجه الله، امام زمان، دجال، قائم آل محمد نیز آمده است که هر کدام از آن‌ها مصادیق خاص و خودتراشیده‌ای دارند. مثلاً دجال را میرزا آقاسی می‌دانند [۲۸] و معتقدند که قائم آل محمد باید سیدی باشد ایرانی که در آخرالزمان به دنیا می‌آید و قیام می‌کند و او همان علی محمد باب است. [۲۹] پس بین امام زمان (ع) که در قرن سوم هجری غایب شد با قائم آل محمد تفاوت وجود دارد! به عبارتی دیگر، اینان به مهدویت نوعی معتقدند نه مهدویت شخصی. [۳۰] سفیانی نیز در این کتاب حاج محمد کریم خان کرمانی معرفی شده است. [۳۱]. کتاب "هشت بهشت"، ضمناً در زمینه تبلیغ به سود گروه و مسلک خاص از طریق دروغ پردازی و تحریف واقعیات تاریخی نیز، ید طولایی دارد. نویسندگان، مدعی‌اند که بزرگوارانی چون شیخ مرتضی انصاری - آن عالم فرهیخته - در پی اظهار دوستی و موذت با این گروه بوده‌اند، یا حاج ملا علی کنی خود را حامی ازلی‌ها می‌دانست و حاج ملا هادی سبزواری برایشان شعر می‌سرود. [۳۲] و این در حالی است که شیخ انصاری، به روایت شاگردش، حاج میرزا نصرالله تراب دزفولی، در کتاب "لمعات البیان" حتی نسبت به سید کاظم رشتی احتیاط می‌کرد و او را لایق

در تصرف مال امام (ع) نمی‌دانست، [۳۳] چه رسد به باب و صبح ازل! حاج ملا-علی کنی نیز فقیه متنفذ تهران در عصر ناصرالدین‌شاه بود که به گواه اسناد و مدارک موجود، از مخالفان سرسخت و پابرجای باب به شمار می‌رفت و نوشته او در این زمینه را می‌توان در کتاب "عهد اعلی" (... از منابع بهائی و نوشته ابوالقاسم افغان) دید. حاج ملا هادی سبزواری نیز حکیم پارسا و نام‌آشنای شیعه در عهد ناصری است که در زندگی‌نامه خودنوشت خویش، بخش مربوط به ایام تحصیل در اصفهان، پایه علمی شیخ احمد احسائی را نازل شمرده و در منظومه حکمت خویش نیز، قسمت مربوط به بحث از اصالت وجود، ادعای احسائی مبنی بر اصالت داشتن وجود و ماهیت (هر دو) را خرق اجماعی ناشی از راه نیافتن به کنه مطلب دانسته است. وقتی که شخصی چون احسائی در نظر حکیم سبزواری چنین رتبی داشته باشد، تکلیف امثال باب و ازل با آن مدعیات عجیب و غریب معلوم است!

انشاب در بابیت و بهائیت

پس از اعدام علی محمد باب، فرقه هوادار او، بر اثر ادعای چند تن از پیروان او دچار انشعابات متعدد گردید: ۱- میرزا اسدالله دیان که کاتب صبح ازل بود؛ [۳۴] ۲- میرزا عبدالله متخلص به غوغا؛ ۳- حسین میلانی مشهور به حسین جان؛ ۴- کاشانی؛ ۵- اصفهانی؛ ۶- میرزا محمد نبیل. این شش نفر که جزء اولین پیروان این فرقه بودند ادعای من یظهره اللهی و خلیفه اللهی کردند. [۳۵] البته، این همه، غیر از یحیی صبح ازل بود که از نظر نویسندگان "هشت بهشت"، وصی واقعی باب به‌شمار می‌رفت (و چنان که گفتیم، بعداً با رقابت و مخالفت سخت برادر بزرگش روبه‌رو شد و این امر، به افتراق بابیه به ازلیان و بهائیان منجر گردید). به نوشته نویسندگان "هشت بهشت": "در میان مدعیان مزبور، آن کس که در این آشفته بازار توانست کار خود را پیش برد میرزا حسینعلی معروف به "بهاءالله" بود که نحله بهائیت را بنیان گذارد [۳۶]. " در "هشت بهشت" آمده است: "آقا جان کچل صابون فروش کاشانی که سامری وقت بود طریقه مدهانه و چاپلوسی را پیش گرفت. میرزا حسینعلی بیچاره را به این طمع انداخت. آن گوساله نیز مخفیانه به تدارک پرداخت [۳۷]. " نویسندگان "هشت بهشت" با این پیش‌پرده، به سراغ حسینعلی بهاء رفته و صابون‌فروش (مشاور بهاء) را "سامری" امت و خود بهاء را نیز عجل (گوساله) سامری خطاب کرده‌اند. طبق گفته اینان: فعالیت بهائیت بر دو پایه اصلی استوار است: ۱- دروغ و داستان‌سرایی؛ ۲- قتل مخالفان خویش. [۳۸]. جالب این است که به گزارش "هشت بهشت": "بهائیت نیز بعد از مرگ بهاء (۱۳۰۹. ق) [۳۹] دچار تشقت و تفرقه شد و افرادی از آن‌ها به خیالاتی افتادند که بعضاً برایشان هزینه‌ای سنگین (ترور) را دربرداشت: ۱- میرزا زرنندی موسوم به نبیل، در این اثنا به خیال داعیه افتاد... پسران خدا خبردار شده دو نفر فرستادند آن لنگ بیچاره را خفه کردند [۴۰]. " ۲- پهلوان کچل صابون‌پز... به حیفا رفت و در آنجا رأیت دعوی برافراشت... عباس افندی نیز در مقابل، کاغذی به خط میرزا حسین بها (پدرش) بیرون آورد که ای اعضای من عبد حاضر مدت‌هاست کافر و مرتد شده... آنگاه به سیف قهر او را بزنید... ناچاراً... باز اظهار ندامت کرده عود به قراول خود نمود [۴۱]. " ۳- جعفر کفاش با سید اسماعیل صباغ با چند نفر دیگر در یزد این ادعا را دارند؛ [۴۲] ۴- حاج میرزا احمد مشرف‌زاده کرمانی نیز در بمبئی اوراق و الواح بسیار چاپ نموده است. [۴۳]. تعابیری که در "هشت بهشت" نسبت به بهائیت آمده تعابیری بسیار تند و گزنده است که نشان دهنده خشم بسیار نویسندگان آن نسبت به دکان‌سازی رقیب، و رقیب دکان‌ساز، می‌باشد. نمونه‌هایی از این تعابیر چنین است: "و هر یک از اصحاب خود را عناوینی جدید بخشید. تابعین میرزا حسینعلی در بلاد ایران و روم [عثمانی] به اغواء و اضلال مردم مشغول شدند... و الواح خوش خط بی‌معنی زحرف و به هر هوشیار نمود... و برای هر یک از این اوباش بی‌حس و بی‌شعور که چون یربوع کور از هر شعاع و نوری بی‌بهره و محروم بودند آن قدر تمجید و تبجیل، لفظاً و کتباً، گفت و نوشت که برای آن بیچارگان احمق هم امر مشتبه شد... و عجب تر اینکه این اشخاص از رذالت فطرت و فساد اخلاق و کراهت صورت و سیرت، آن قدر جاهل و بی‌شعور و چشم بسته می‌باشند... آن قدر قشری و احمق و چشم بسته و مقلد هستند که گویا رایحه علم و تحقیق به مشامشان نرسیده" است. [۴۴]. تصویر

میرزا حسینعلی بهاء (پیشوای بهائیان) از نگاه نویسندگان "هشت بهشت"، "و در واقع از دیدگاه ازلیان، چنین است": "میرزا هم جز اباطیل و اکاذیب و قصص بی‌اصل و دروغ چیزی به دست نداد. در کلمات این خدا این قدر ساخته کاری و تصنع و استراق [۴۵] موجود است که هیچ ذهن سلیمی نمی‌تواند تصور کند... در وقت نزول آیات خودش با یک صدای کریه مُنکَر بسیار خنکی راه می‌رود... و کچلک هم قلم اعلی را برداشته و روی کاغذ خط‌های لایق‌م می‌کشد [۴۶ ...] در جای دیگر نوشته‌اند: "شگفت‌تر از همه چیز اینکه آقا میرزا خدا [= حسینعلی بهاء] بعد از این همه ظلم‌های فاحش و نابکاری‌های بیّن و خیانت‌های آشکار و دزدی‌های برملا و سفک دماء [۴۷] و قتل نفوس و غضب حقوق و نقض عهود، خود را حسین مظلوم... می‌خواند! [۴۸]."

ادعای غریب حسینعلی بهاء: من خدای خدایانم

نویسندگان "هشت بهشت"، در عبارات فوق، از میرزا حسینعلی بهاء، به تعریض با تعابیری چون "خدا" و "آقا میرزا خدا" یاد کرده‌اند؛ تعابیری که تعریض به ادعای خدایی توسط بهاء دارد. از جمله ایرادهای مهمی که مخالفان حسینعلی بهاء (از هر گروه و دسته) به وی گرفته‌اند و چنان که می‌بینیم در کتاب "هشت بهشت" نیز بازتاب آشکار دارد، ادعای الوهیت از سوی بهاء است که منشأ آن هم بعضی از سخنان حسینعلی است که صراحتاً بوی ادعای خدایی، بلکه خدا آفرینی، می‌دهد. به عنوان مثال می‌توان به این سخن که در زندان عکا نوشته است اشاره کرد: "أَنَّ لَآ إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْمَسْجُونُ الْفَرِيدُ [۴۹] (نیست خدایی جز من زندانی یکتا!) نیز او در کتاب "مبین" نوشته است: "يُنَادِي الْمَنَادِي بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ الْمَقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْفَرِيدُ [۵۰] (منادی بین زمین و آسمان ندا می‌کند که: زندان، ویژه خدای توانای عزیز یکتاست). نیز: "قَدْ افْتَخَرَ هَوَاءُ السَّجْنِ بِمَا صَعَدَ إِلَيْهِ نَفْسَ اللَّهِ لَوْ كُنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ [۵۱] (به تحقیق افتخار می‌کند هوای زندان به سبب آنچه را که بالا رفت به سوی آن نفس خدا، اگر باشید شما از دانایان). نیز: "تَفَكَّرَ فِي الدُّنْيَا وَشَأْنِ أَهْلِهَا، إِنَّ الَّذِي خَلَقَ الْعَالَمَ لِنَفْسِهِ قَدْ حَبَسَ فِي الْخَرْبِ الدِّيَارِ بِمَا اكْتَسَبَتْ أَيْدِي الظَّالِمِينَ [۵۲] (در خصوص دنیا و حالات مردم آن بیندیش، زیرا آن کس که جهان را برای خود خلق کرد، در خراب‌ترین مکان‌ها زندانی ستمگران است). نیز: "قُلْ لَا يَرِي فِي هَيْكَلِي إِلَّا هَيْكَلُ اللَّهِ وَ لَا فِي جَمَالِي إِلَّا جَمَالُهُ وَ لَا فِي كَيْنُونَتِي إِلَّا كَيْنُونَتُهُ وَ لَا فِي ذَاتِي إِلَّا ذَاتَهُ وَ لَا فِي حَرَكَتِي إِلَّا حَرَكَتَهُ وَ لَا فِي سَكُونَتِي إِلَّا سَكُونَتَهُ وَ لَا فِي قَلَمِي إِلَّا قَلَمَهُ الْعَزِيزُ الْمَحْمُودُ [۵۳] (بگو در هیکل و جمال و کینونیت و ذات و حرکت و سکون و قلم من، جز هیکل و جمال و کینونیت و ذات و حرکت و سکون و قلم خداوند دیده نمی‌شود). و در لوح روز ولادتش ادعا شده است که در چنین وقتی، خدای لم‌یلد و لم‌یولد به دنیا آمد: "فِيهِ وُلِدَ مِنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ! [۵۴] و به مریدانش سفارش کرده که از خداوند (یعنی بهاء)، به حرمت گیسوانی که بر چهره‌اش افشان است درخواست حاجت کنند و بگویند: "اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَعْرَاتِكَ الَّتِي يَتَحَرَّكُ عَلَيَّ صَفْحَاتُ الْوَجْهِ! [۵۵] و بالاخره: خود را کسی دانسته که جهان را آفریده، ولی (البته آن قدر مظلوم است که) نمی‌گذارند یکی از مریدانش را ببیند: "إِنَّ الَّذِي خَلَقَ الْعَالَمَ لِنَفْسِهِ مَنَعَهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَحِبَائِهِ! [۵۶]. البته به محنت و ذلتش در زندان عکا و در چنگ مأموران سلطان عبدالمجید عثمانی ننگرید، که مقام این خدا، یا میرزا خدا! به قدری والا- و بالا-ست که به قول خود او در قصیده "ورقائیه": "همه خدایان از اثر فرمان من خدا شدند و همه پروردگاران از حکم من پروردگار گشتند: كَلَّ الْأَلُوهُ مِنْ رِشْحِ أَمْرِي تَأَلَّهَتْ وَ كَلَّ الرَّبُوبُ عَنْ طَفْحِ حَكْمِي تَرَبَّتْ [۵۷]. بر بنیاد این ادعاهای شگفت، فرزند و جانشین بهاء، عباس افندی، نیز تصریح کرده است که "مقام مظاهر قبل" یعنی پیامبران الهی و حضرت محمد (ص)، نبوت کبری بود و مقام حضرت اعلی، "یعنی علی محمد باب"، الوهیت شهودی و مقام جمال اقدس "یعنی حسینعلی بهاء"، احدیت ذات هویت وجودی! [۵۸ ...] و... "این ظهور اعظم، نفس ظهور الله است، نه به عنوان تجلی و مجلی! [۵۹ ...] و با این کلام، راه را بر بهائیان (که برای توجیه کلمات بهاء، به "مظهریت" و این گونه حرف‌ها متمسک می‌شوند) یکسره می‌بندد! میرزا آقاخان کرمانی و احمد روحی، این ادعای غریب میرزا حسینعلی بهاء را آن قدر دور از عقل می‌شمارند که معتقدند جز افراد

بی‌خرد، کسی این‌گونه ادعاها را از مدعیان آن نمی‌پذیرد. لذا در "هشت بهشت" نوشته‌اند: "میرزای مزبور، مردم را آن قدر... کلمه‌ای توهین‌آمیز به معنای مطیع چشم و گوش بسته [دیده که به الوهیت هم قناعت نکرده، خود را خدا آفرین، بلکه بنده‌ای از بندگان خود را، خدا آفرین می‌داند... خلاصه، غریب تر از این خدا، آن احمقانی هستند که این مزخرفات بی‌معنی را شنیده و تن در داده‌اند [۶۰].".

پاورقی

- [۱] سید سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۱۲۰-۱۱۲.
- [۲] محمدحسین حسینی جلالی، فهرس التراث، ج ۲، ص ۱۱۸.
- [۳] احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۱۲۳.
- [۴] محمدحسین حسینی جلالی، همان، ج ۲، ص ۱۳۷، بخش: السید کاظم بن قاسم الحسینی الرشتی الحائری.
- [۵] میرزا محمد تنکابنی، رک: قصص العلماء، ص ۵۸.
- [۶] یوسف فضایی، شیخیگری و بایبگری و بهائیگری و...، صص ۳۸-۳۵.
- [۷] سعید زاهد زاهدانی، همان، صص ۱۰۰-۹۹.
- [۸] البته بعضی از مطالب مندرج در کتاب هشت بهشت، با بیان مطابقت ندارد که در پاورقی کتاب توضیح داده شده است.
- [۹] در رساله "سه مکتوب" می‌گوید: طایفه بایبه جماعتی‌اند که "طاعت کشیدن بار شریعت عربی... و کوله بارهای شیخ احمد احسایی را نیاورده، طناب را بریده و از زیر بار مذهب شیعه که واقعاً لایتحمل است بیرون خزیده، ولی... زیر بار غلبه‌های عرفان سید باب رفته‌اند که غصنی است از همان دوحه، و گرده‌ای است از همان نقشه". رک: فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۴۴۴.
- [۱۰] ازلی گردیده‌اند و دختران صبح ازل را به زنی گرفته‌اند. سپس به یکباره بی‌دین گردیده و آشکاره "طبیعی‌گری" نموده‌اند.... ("احمد کسروی، همان، ص ۱۳۶).
- [۱۱] نسخه مورد مراجعه و استناد ما از این کتاب، نسخه چاپی آن است که مشخصاً کتابشناسی آن چنین است: چاپ سربی، بی‌نا، بی‌تا، موجود در کتابخانه مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی قم.
- [۱۲] در مقدمه هشت بهشت (ص الف) آمده است: "آقا سیدجواد کربلایی که از حروف حی نقطه اول و مولد موطنش شیراز بوده است.
- [۱۳] هشت بهشت، ص ۲۹.
- [۱۴] نقطه بیان، مقصود علی محمد باب است.
- [۱۵] مقصود، میرزا یحیی صبح ازل است.
- [۱۶] منظور حسین علی بهاء، بیان‌گذار نحل بهائیت است.
- [۱۷] منظور، چگونگی انزوای صبح ازل است.
- [۱۸] این عبارت، تلفیقی از آیات ۳۸ و ۵۹ سوره انعام و ۱۲ سوره یس است.
- [۱۹] در تعریف شریعت بیان، به این مطلب اشاره می‌کنند (هشت بهشت، ص ۲).
- [۲۰] همان‌جا.
- [۲۱] هشت بهشت، ص ۲۳؛ البته پیروان باب در بیدشت (از توابع شاهرود) دین اسلام را منسوخ اعلام کرده‌اند. رک: سعید زاهد

- زاهدانی، همان، صص ۹۹-۱۰۰.
- [۲۲] هشت بهشت، ص ۲۷.
- [۲۳] همان، ص ۳.
- [۲۴] همان، ص ۱۳.
- [۲۵] همان، ص ۱۹.
- [۲۶] همان، ص ۳۷.
- [۲۷] همان جا.
- [۲۸] همان، ص ۲۳۲.
- [۲۹] همان، ص ۲۴۴-۲۵۰.
- [۳۰] همان، ص ۲۶۳-۲۶۲؛ یعنی هر کس می‌تواند مهدی باشد و دلیلی نیست بگوئیم فقط یک نفر بخصوص (نظیر حجه بن الحسن العسکری "عج") هم قائم و هم مهدی است.
- [۳۱] همان، ص ۲۳۲.
- [۳۲] همان، ص ۲۸۴.
- [۳۳] رک: زندگانی و شخصیت شیخ انصاری قدس سره، مرتضی انصاری، تهران، حسینعلی نوبان، چ ۳، ۱۳۶۹، ص ۱۱۰-۱۰۹.
- [۳۴] دیان به دست عوامل حسینعلی بهاء ترور شد.
- [۳۵] هشت بهشت، ص ۳۰۳؛ من یُظهره الله کسی است که قرار بوده است خداوند او را پس از باب، ظاهر سازد و باب به کرات در آثار خود، از وی سخن گفته است.
- [۳۶] همان جا.
- [۳۷] همان، ص ۳۰۴.
- [۳۸] هشت بهشت، ص ۳۰۸، یکی از موارد آن است.
- [۳۹] همان، ص ۳۰۹.
- [۴۰] همان، ص ۳۱۰.
- [۴۱] همان، ص ۳۱۱.
- [۴۲] همان، ص ۳۲۰.
- [۴۳] همان جا.
- [۴۴] همان، ص ۳۰۹.
- [۴۵] صورت‌سازی و دزدی از این و آن.
- [۴۶] هشت بهشت، ص ۳۱۴.
- [۴۷] ریختن خون‌ها.
- [۴۸] همان، ص ۳۰۹.
- [۴۹] حسینعلی بهاء، مبین، ۱۳۰۸. ق، ص ۲۸۶.
- [۵۰] همان، ص ۳۰۸.
- [۵۱] همان جا.

[۵۲] همان جا.

[۵۳] همان، ص ۲۱.

[۵۴] عبدالحمید اشراق خاوری، مانده آسمانی، تهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ج ۲، ص ۳۴۴؛ همچنین رک: عبدالحمید اشراق خاوری، رساله ایام تسعه، تهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۱ بدیع، ص ۵۰.

[۵۵] ادعیه حضرت محبوب، مصر، ۱۳۳۹. ق، چاپ دوم، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ص ۱۲۳، با توجه به بیان "فیضی" در کتاب: "بهاء الله"، ص ۲۴۰، مبنی بر "افشان بودن گیسوان و محاسن میرزا حسینعلی"، توجیه و پاسخ سید مهدی گلپایگانی، مبلغ بهایی هم دوره عباس افندی، مندرج در کتاب: "مصاییح هدایت"، ج ۳، صص ۲۶-۲۷ را به یاد می آوریم: "آخوندها اعتراض می کنند درباره اللهم انی اسئلك بشعراتک... سید مهدی می گوید: خدایی که دست دارد و چشم دارد، مگر نباید مو داشته باشد و شما می دانید اگر خدا با داشتن سایر اعضا سرش بی مو باشد البته کچل خواهد بود و ما بهائیان به خدای کچل اعتقاد نداریم؟..." این کتاب، توسط لجنه ملی نشریات امری، ۱۳۲۸. ش، در ۶۴۷ صفحه ۲۰ سطری چاپ و منتشر شده است.

[۵۶] همان، ص ۲۳۳.

[۵۷] رک: عباس افندی، مکاتیب، مطبعه کردستان العلمیه، به اهتمام فرج الله زکی الکردی، مصر، ۱۳۳۰. ق، ج ۲، ص ۲۵۴؛ برای کل قصیده نیز رک: آثار قلم اعلی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۱ بدیع، بخش ۳، صص ۲۱۵-۱۹۶.

[۵۸] نصرالله رستگار، تاریخ صدرالصدور، ص ۲۰۷.

[۵۹] همان، ص ۲۶.

[۶۰] هشت بهشت، ص ۲۱۵؛ برای بازتاب ایرادات ازلیان بر ادعای خدایی حسینعلی بهاء در آثار خود بهاء، همچنین رک: حسینعلی بهاء، بدیع، چاپ ۱۲۸۶. ق.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه

مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۰۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۰۴۵-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۰۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

